کافه کتاب

خبرنگار

نویسنده:باب‌دوترو
مترجم:علی‌اکبرعبدالرشیدی
نشر گویا

پیام آشنا: کتاب خبرنگار مجموعه قصه‌ها و خاطرات حرفه‌ای باب دوترو در طول سال‌هایی است که به حرفه خبرنگاری مشغول بوده است. این اثر را با ترجمه علی‌اکبر عبدالرشیدی می‌خوانید.

درباره کتاب خبرنگار

رابرت باب دوترو، در سال ۱۹۳۰ در لندن به دنیا آمد او به عنوان فیلمبردار در شبکه‌های تلویزیونی، ABC ،NBC ،TVO ،CTV ،CBC کار می‌کرد و البته بیشتر فعالیت او در زمینه اخبار و برنامه‌های مستند بود. همین هم سبب شده بود که خطرات بسیاری او را تهدید کند اما بهرحال از آن‌ها جان سالم به در برد. او در کتاب خبرنگار خاطرات خود را نوشته است. این خاطرات هم ابعاد گوناگون زندگی یک خبرنگار ماجراجو را نشان می‌دهد و هم سهم رسانه‌ها در حمایت‌های مالی و همچنین دیگر حمایت‌ها را آن‌ها از این افراد روشن می‌کند.

در حقیقت هر مخاطبی که کتاب خبرنگار را بخواند، درمی‌یابد که خبرنگاران و زندگی حرفه‌ای آنان چه تاثیری بر سخنوری دارد. او همچنین از تفاوت‌هایی آگاه می‌شود که در کار خبرنگاران در کشورهای مختلف وجود دارد. به این ترتیب می‌توان گفت که این کتاب الگویی مناسب برای خاطره‌نویسی خبرنگاران است. مترجم کتاب، علی‌اکبر عبدالرشیدی، خود نیز یک خبرنگار برجسته و توانست و از این رو این کتاب را می‌توان با اطمینان، کتابی ارزشمند در زمینه خبرنگاری دانست.

کتاب خبرنگار را به چه کسانی پیشنهاد می‌کنیم

اگر دانشجو در رشته‌های ارتباطات، علوم سیاسی و تاریخ هستید، اگر در رسانه‌ها مشغول به فعالیتید و یا اگر دوست دارید به طوری کلی با این حرفه آشنا شوید، کتاب خبرنگار برای شما است.

بخشی از کتاب خبرنگار

در روزگاری که من در حال قد کشیدن بودم بهترین خواننده روزفرلک سینتارا بود. همه تره‌های او را زمزمه می‌کردند. در انگلستان بعد از جنگ جهانی دوم، او دو چیز دیگر آمریکایی الگوی ما (انگلیسی‌ها) به شمار می‌آمد.

در تلویزیون‌ها و روی پرده سینما فرلک سینترا را می‌دیدیم که در میان صدها دختر جوان ایستاده و مشغول خوندگی بود؛ آرزوی ما و بقیه جوانان انگلیسی و شاید بقیه جوانان دنیا این بود که روزی جای او باشیم به هر زحمتی که بود پول جمع می‌کردیم و صفحات او را می‌خریدیم و به تره‌هایش گوش می‌دادیم.

سرگرمی معمولی و همیشگی شنبه شب‌های من و دوستم گوردون کومبر این بود که سری به صفحه فروشی بزنیم و از شنیدن چهار صفحه‌ای که اجازه داشتیم بطور رایگان در داخل مغازه گوش کنیم لذت ببریم. بعد از شنیدن آن چهار صفحه، به جان صفحه‌ها می‌افتادیم تا صفحه دلخواهی را از بین صفحات جدید برای خرید انتخاب کنیم. با افزوده شدن تعداد صفحه‌ها، علاقه ما به فرلک سینترا و شباهت‌های رفتاری ما هم به او زیادتر و زیادتر می‌شد.

یک روز خبر رسید که فرلک سینترا برای کنسرت به لندن می‌آید. با شنیدن این خبر خوشحالی سرازپا نمی‌شناختیم. هرچه پس‌انداز کرده بودیم روی هم ریختیم تا بتوانیم بلیت کنسرت را بخریم. فرلک سینترا در نظر جوانان لندنی یک نماد بود و ما این را می‌دانستیم. ما سال‌ها به هنگام عبور شبانه از خیابان‌های تاریک لندن ترانه‌هایش را زمزمه کرده بودیم و حالا هنرمند مورد علاقه‌مان به شهر ما می‌آمد و ما می‌توانستیم او را در برابر خود ببینیم. بالاخره شب موعود رسید. در محل کنسرت غوغایی برپا بود. اگر همه جوانان شهر آمده بودند. در میانه کنسرت میکروفون فرلک سینترا بر زمین افتاد و شکست. ولی او خود را از "تنگ و تا" نینداخت. او از ما که در ردیف جلو بودیم خواست در خواندن ترانه‌ها همراهی‌اش کنیم تا صدایمان به گوش بقیه حاضران برسد. نیودن میکگوون و بلند گو و سردی هوای سالن هیچ تأثیری در حس و حال من و علاقمندی ما به او نگذاشت. صدای فرلک سینترا بدون میکروفن یا بدون هر دستگاه دیگری که صدایش را صاف و تلطیف کند همچنان جادویی بود و مثل همیشه بند بند وجود ما را می‌لرزاند.

بعد از آن کنسرت تا همین اواخر دیگر فرلک سینترا را ندیدم سال‌ها از آن کنسرت گذشت. من خبرنگار شدم در شبکه سی بی اس برنامه یک ساعته روزانه‌ای داشتم و قرار بود گزارش‌هایی از خارج از آمریکا تهیه و در آن یک ساعت پخش کنیم. برای تهیه آن برنامه به ایتالیا رفته بودیم و در حال بازگشت از ره بودیم که در فرودگاه مردی به ما نزدیک شد و پرسید:

-آیا دوست دارید در مورد فرلک سینترا برنامه‌ای بسازید؟

در جواب با یکدیگر به آن مرد گفتیم:

-بله! البته! چرا که نه!

من به عنوان یک خبرنگار و فیلمبردار، یاد گرفتم که درباره پیشنهادهایی که می‌شود بیش از حد هیجان نشان ندهم و وقتی کسی پیشنهاد ساخت برنامه‌ای می‌دهد خیلی واکنش شدید بروز ندهم.

آن مرد که ظاهراً مأمور هماهنگی مصاحبه‌ها و شاید با زایلی برای انجام مصاحبه با فرلک سینترا بود با شنیدن بلیغ من و پس از دادن کارت ویزیتش خداحافظی کرد و رفت کمی آن طرف‌تر و روی صندلی نشست. آرام به سمت صدا رفتم همراهم رفتم و کارت ویزیت آن مرد را به او نشان دادم. چشم‌ام روی کارت ویزیت به نام مورت سگل افتاد. زیر نامش هم نوشته بود "مؤسسه فرلک سینترا هالیوود".

با دیدن آن نام ونشانی جای درنگ ندیدم، باید این مصاحبه و ساخت این برنامه را ممکن می‌کردم. همه ما لحظات حرفه‌ای را نادیده گرفتیم و با سرعت به سمت آن مرد رفتیم. سال‌ها بود که با دهها و شاید صدها شخصیت بزرگ جهانی دیدار و گفت و گو کرده بودم. اما نام فرلک سینترا نامی نبود که بتوان از آن گذشت. ناگهان همه خاطرات و هیجان‌های دوران نوجوانی به سراغم آمد.

کرج کاندیدای پایتختی کتاب ایران شد

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز مطرح کرد: از بین ۱۰۵ شهر از نقاط مختلف کشور، کرج جزو ۱۲ شهر برتر مرحله پایانی پایتختی کتاب ایران شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی اداره کل فرهنگ وارشاد اسلامی استان البرز؛ جابری انصاری مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز- به نقل از یاسر احمدوند «معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی- اظهار کرد: هشتمین دوره انتخاب و معرفی پایتخت کتاب ایران در حالی به مرحله داوری رسیده است که ۱۰۵ شهر از نقاط مختلف کشور در این جشنواره شرکت کردند و داوطلب و مشتاق کسب این عنوان هستند که به‌حمدالله این میزان مشارکت و این چنین انتیقابی از مردم کتاب دوست ایران انتظار می‌رفت.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز افزود: از بین ۱۰۵ شهر داوطلب، کرج جزو ۱۲ شهر به مرحله پایانی داوری رسیده است.

جابری انصاری ضمن ابراز امیدواری به این رویداد مهم، نسبت به ارائه برنامه‌های خلاقانه و اثرگذار برای رونق کتابخوانی تأکید کرد: امیدوارم با حمایت‌های بی‌دریغ جناب آقای دکتر عبداللهی استاندار محبوب استان البرز و همینطور جناب آقای آل عوض مشاور محترم استاندار در امور فرهنگی و اجتماعی و رئیس شورای سیاست‌گذاری طرح کرج پایتخت کتاب ایران و مشارکت همه دستگاه‌های فرهنگی شهرستان کرج، شاهد باشیم کرج پایتخت کتاب ایران شود.

اهمیت این برنامه که از مجموعه برنامه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است را از می‌فهمیم و خوشتان همدلی و هماهنگی کلیه دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی استان و شهر کرج به منظور تحقق زیرساخت‌های کتابخوانی در شهر کرج هستیم؛ تا به بهترین شکل ممکن حق خود را مهیای داوری مرحله نهایی کرده و شهر کرج به عنوان شهر پایتخت کتاب ایران به مردم عزیز ایران معرفی گردد.

نام «شهید صارمی» در تقویم رسمی کشور به «روز خبرنگار» اضافه می‌شود

به پیشنهاد معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تایید کارگروه نام‌گذاری روزهای شورای فرهنگ عمومی، ۱۷ مرداد به‌عنوان «روز خبرنگار – سالروز شهادت شهید محمود صارمی» در تقویم رسمی کشور ثبت می‌شود.

به گزارش پیام آشنا، موضوع تغییر عنوان «روز خبرنگار» به «روز خبرنگار – سالروز شهادت شهید محمود صارمی» طی نامه‌ای از سوی معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی، پیشنهاد و برلسان مصوبه کارگروه نام‌گذاری روزها و مناسبت‌های خاص شورای فرهنگ عمومی، نام‌گذاری این روز باعنوان «روز خبرنگار – سالروز شهادت شهید محمود صارمی» به تأیید کارگروه مذکور رسید.

محمود صارمی (زاده ۱۳۴۷، بروجرد- درگذشته ۱۷ مرداد ۱۳۷۷، مزارشریف) خبرنگار ایرانی و مسئول دفتر خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در مزارشریف افغانستان بود که در سال ۱۳۷۷ در جریان کشتار دیپلمات‌های ایرانی در مزارشریف به شهادت رسید.

صنایع دستی ایران تنوع فوق العاده‌ای برای گردشگران روسی دارد

معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی کشور در دیدار با ماکسیم کازلوف معاون اقتصادی ایالت جوانش روسیه بر مراودات در حوزه فرهنگ و هنر میان دو کشور تاکید کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اداره کل روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی؛ مریم جلالی معاون صنایع دستی وزارت میراث فرهنگی و ماکسیم کازلوف معاون اقتصادی ایالت جوانش روسیه، در محل وزارت میراث فرهنگی دیدار و درباره زمینه‌های همکاری بین دو کشور گفتوگو کردند.

در لندنا جلالی ضمن خوشامدگویی به مهمانان و با تاکید بر نقاط اشتراک ایران و روسیه در حوزه منابع طبیعی و مردمشناسی گفت: امیدواریم در حوزه فرهنگ و هنر مراودات بیشتری با کشور روسیه داشته باشیم.

وی افزود: میراث مشترک یکی از نقاط مهم هم جوشی فرهنگی ایران و روسیه بوده و با گذشت زمان شاهد اشتراک در حوزه مراودات گردشگری و صنایع دستی (سنتی و رونوری های سنتی) میان دو کشور هستیم.

معاون صنایع دستی کشور بیان کرد: صنایع دستی ایران تنوع فوق العاده‌ای برای گردشگران روسی دارد و تقویت مراودات بین‌المللی آغازی برای معرفی و عرضه صنایع فرهنگی میان ایران و روسیه خواهد بود.

وی خاطرنشان کرد: با توجه به استفاده از زبان ترکی در ایالت جوانش، استان های ترک زبان ایران ظرفیت مناسبی در جهت مراودات هیات های تجاری میان دو کشور خواهند داشت.

ماکسیم کازلوف ضمن ابراز خرسندی از حضور در ایران گفت: مردم ایران بسیار مهمان نواز، خوش گرم و صمیمی هستند.

وی ادامه داد: ایالت جوانش نقاط مشترک زیادی در حوزه کشاورزی، صنعت و معدن برای همکاری با ایران دارد و در همین راستا اجازه ایجاد اتاق بازرگانی با ایران توسط رئیس ایالت صادر شده است.

کازلوف افزود: گردشگری نقطه عطف مراودات بین المللی و فرهنگی میان ایران و روسیه بوده و برای گسترش آن نیاز به شناسایی بیشتر جاذبه های توریستی و ظرفیت های فرهنگی ایران برای معرفی به گردشگران روسی داریم.

وی ضمن استقبال از معرفی صنایع دستی ایران در اماکن تجاری ایالت جوانش گفت: در مهرماه سال جاری نمایشگاه بین المللی ایران و روسیه برگزار می شود که فرصت مناسبی برای عرضه و معرفی محصولات و صنایع فرهنگی میان دو کشور خواهد بود.

کازلوف خاطرنشان کرد: در حال حاضر ۲۰۰ دانشجوی ایرانی در دانشگاه‌های ایالت جوانش مشغول تحصیل هستند و با برگزاری جشن در عید نوروز فرهنگ و تمدن ایران را به شهروندان روسی معرفی می‌کنند.

فرهنگی و برگزاری نمایشگاه های صنایع دستی با محوریت نقاط مشترک فرهنگی ایران و روسیه گامی موثر در حوزه مراودات فرهنگی میان دو کشور خواهد بود.

مبارزه با کتاب قاچاق به کجا رسید؟

کارگروه صیانت از صنعت نشر که وزیر ارشاد اواخر تیرماه خبر ایجادش را داده بود در دولت سیزدهم قرار است بعد از ۲ سال کار خود را آغاز کند؛ کارگروهی که وزارت ارشاد با همکاری دستگاه‌های قضائی و نظارتی به تنظیم‌گری بازار کتاب ورود کند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از فارس، از خروجی ایستگاه متروی انقلاب که نزدیک فروشگاه سوره مهر است، بالا آمدم و به آن طرف خیابان که رسانه کتابفروش‌هاست، رفتم. رسانه‌ای که تعداد دستفروشانش روز به روز بیش‌تر از کتابفروشان حجوزداری می‌شود که در این روزها دارند برای حیات خود تلاش می‌کنند.

لبته یاسر احمدوند، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اسفند سال گذشته از جمع‌آوری دستفروشان با همکاری شهرداری تهران خبر داد، اما هنوز بعد از ۶ ماه دستفروشان حضور پررنگتری در رسانه انقلاب دارند.

در همان روزها گزارشی را با موضوع «عرضه کتب جنسی در رسانه انقلاب» منتشر کردیم که مختص عرضه آثار غیرمتعارف و جنسی در کنارهای خیابان انقلاب بود، اما علاوه بر این که دستفروشان مدیریت نشدند، محتواهایی هم که می‌فروشند، آزاد است و هیچ حد و مرزی ندارد.

کتاب غیرقانونی می‌فروشمد، بدون ترس

وقتی از خطوط عابر پیاده جلوی سینما بهمن عبور کردم و به سمت چهار راه ولی‌عصر(عج) رفتم در نزدیکی خیابان ۱۲ فروردین در دکور ساده‌ای از کتابفروشی که می‌توان گفت «همه جی فروش» بود، کتابهایی از نوع مانگا دیدم. وارد کتابفروشی که شدم که یک مرد حدود ۴۰ ساله پشت صندوق و دیگری که کمتر از ۲۵ سال بهش می‌خورد، مشتریان را راهنمایی می‌کرد.

از پسری که جوان بود، پرسیدم: کتاب‌های مانگا دارید؟ گفت: بله پشت سر شماست. پشت سرم را که نگاه کردم با حجم بالایی از کتاب‌های مختلف مانگا روبه‌رو شدم که اصلاً باور نمی‌کردم به این راحتی یک کتابفروشی مجوزدار کتاب‌های زبان اصلی بدون مجوز را که با کاغذهای بی کیفیت چاپ شده است، بفروشد؛ آن هم بدون کم‌ترین واهمه‌ای از برخورد. بمفاد که جنس جور بود و چند مشتری را که در همان دقایقی که باهم در فروشگاه بودیم و مانگاهایی خواستند، دست خالی رد نمی‌کرد.

در بخش مبارزه با کتاب قاچاق ۲ مسأله نظارت بر فروش آثار و تنظیم‌گری و نظارت بر تولید آثار غیرقانونی است که هیچ کدام از این موردها به لحاظ قانونی متوجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نمی‌شود و به تشکل‌های صنفی چون اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، نهادهای نظارتی و امنیتی چون فراجا و.. مرتبط است.

اما در سال‌های گذشته کارگروهی تشکیل شده بود که با کتب قاچاق مبارزه می‌کرد و تولیست در سال‌های فعالیت خود تعداد قابل توجهی از انبارهای کتب غیرمجاز را توقیف و بعد از دستور قضایی امحاء کند؛ کارگروهی که وزارت ارشاد در آن نقش حمایت‌گری داشت به طور مثال هزینه انبارهای کتب توقیفی را برعهده داشت و دربخشی از پرونده‌ها که ناشران به دلایل مالی نمی‌توانستند شکایت خود را پیگیری کنند، از ناشران حمایت می‌کرد.

احمدوند در بازدیدی که سال گذشته از حرم‌گزاری فارس داشت درباره برخورد با این امر گفت: «توقع می‌رفت اتحادیه ناشران و کتابفروشان در این زمینه فعال‌تر برخورد کند، اما تولمندی لازم را برای این کار نداشت. وزارت ارشاد وارد این قضیه شده و کمیته صیانت را با حضور برخی از چهره‌های صنف، احیاء کرده‌ایم. حتماً برنامه‌های جدی‌تری از سوی وزارت ارشاد برای ساماندهی حوزه دستفروشان در فضای واقعی و مجازی در سال آینده با همکاری شهرداری و دستگاه قضا پیگیری می‌شود»

محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در اواخر تیر از تشکیل کارگروه مبارزه با کتاب قاچاق گفته است. کارگروهی که در سال‌های گذشته شبیه آنچه وزیر گفته است به فعالیت می‌پرداخته و عملکرد خوبی هم داشت، اما در ۲ سال اخیر این امر یعنی مبارزه با کتاب قاچاق نه در اتحادیه ناشران و کتابفروشان و نه در ارگان‌های متولی صورت نگرفت و در حال حاضر دسترسی به آثار غیرایرانی و اسلامی برای قشر نوجوان و جوان به راحتی صورت می‌گیرد. لازم است وزارت ارشاد دولت سیزدهم که ۲ سال از عمرش می‌گذرد و نهادهای متولی تنظیم‌گری کتب قاچاق به ساختاری واحد و منسجم برای برخورد با این نوع آثار برسند.

کارگروه صیانت از نشر قرار است هر ۲ هفته برگزار شود

کارگروه صیانت از صنعت نشر، به ریاست معاون امور فرهنگی وزیر ارشاد و با حضور نمایندگانی از دادستانی کل کشور، سازمان بازرسی کل کشور و سازمان تعزیرات حکومتی با موضوع همفکری در خصوص مصادیق مجرمانه پدیده ضدفرهنگی تولید و قاچاق کتاب در سالن جلسات معاونت امور فرهنگی در روز سه شنبه ۲۷ تیر برگزار شد. احمدوند در این جلسه تأکید کرد که برای مبارزه با قاچاق و تولید و توزیع غیرمجاز کتاب علاوه بر وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دستگاه‌های مختلف قضایی، امنیتی و شهری می‌بایست این وزارتخانه را برای مقابله با این پدیده مخرب یاری دهند.

در این جلسه ظرفیت‌های دستگاه قضایی، سازمان بازرسی و سازمان تعزیرات برای برخورد با پدیده تولید و فروش کتاب‌های غیرمجاز و نیز تکثیر غیرقانونی کتاب‌های مجاز ارزیابی شده تعامل بیشتر با دادسرای فرهنگ و رسانه، اهتمام بیشتر تشکل‌های صنفی و نیز ساماندهی دستفروشان و نظارت بر فروش کتاب در فضای مجازی از محورهای مذاکرات این جلسه بود.

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: علی‌رغم حمایتی که با سکوهای فروشگاهی دارای مجوز با موضوع توزیع و فروش کتاب‌های غیرمجاز برگزار شده است، ولی این سکوها کماکان محملی شده‌اند برای فروش کتاب‌های غیرمجاز.

در پایان مقرر شد جلسات این کارگروه هر ۲ هفته یک بار با حضور برخی از دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و اجرایی و صنفی برای رسیدن به یک تصمیم واحد برگزار شود که فعالاخری از برگزاری جلسه دوم این کارگروه با گذشت منتشر نشده است.

قربونِ دَسِت، اون شیر آبُ ببند.

کوتاه از فرهنگ

بازدید هیات دیپلماتیک جمهوری صربستان از موزه ملی دفاع مقدس

قائم‌مقام وزارت امور خارجه صربستان به همراه سفیر این کشور در ایران از موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بازدید کردند.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی و امور بین‌الملل موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، صبح یکشنبه ۱۵ مردادماه ۱۴۰۲، گوران لکسیچ، قائم‌مقام وزارت امور خارجه صربستان به همراه دراگان نودوروویچ، سفیر این کشور در ایران از موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بازدید کردند.

بنابراین گزارش، گوران لکسیچ قائم‌مقام وزیر امور خارجه صربستان که برای برگزاری دومین دور از رایزنی‌های سیاسی میان ایران و صربستان به تهران سفر کرده است با حضور در موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از تالارهای هفتگانه موزه بازدید کرد و در جریان وقایعی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و پیشرفت های پس از آن شد قرار گرفتند.

در پایان این بازدید آقای گوران لکسیچ در گفتگو با سردار محمدفقیه ناظر، مدیرعامل موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ضمن تشکر از میزبانی و همدلی این بازدید گفت: این موزه به خوبی تلاش های جمهوری اسلامی ایران در راه کسب استقلال و آزادی را به نمایش گذاشته است.

قائم‌مقام وزارت امور خارجه صربستان افزود: صربستان نیز مانند ایران تجربه تلخ جنگ را پشت سر گذاشته است؛ بنابراین ما تمامی اقداماتی که ایران برای بازسازی زیرساختها و اقتصاد کشور پس از جنگ انجام داده است را درک می کنیم.

سردار ناظر نیز ضمن تشکر از آقای لکسیچ گفت: امیدواریم همکاری های موزه ملی میان ایران و صربستان افزایش یابد.

سینمای ایران

فیلمنامه سینمایی «حلما» به جشنواره اسکیپ تاون آمریکا راه یافت

فیلمنامه سینمایی «حلما» به نویسندگی علی فرآورده به جشنواره اسکیپ تاون آمریکا راه یافت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی پروژه، فیلمنامه سینمایی «حلما» براساس طرحی از علی فرآورده به نویسندگی علی فرآورده و صادق خوشحال در اولین حضور جهانی خود برای رقابت در بخش فیلمنامه جشنواره «اسکیپ تاون» آمریکا انتخاب شد.

این جشنواره، رویداد تازه‌ای است که بر روی فیلم‌های مستقل (کمتر از ۵ میلیون دلار بودجه) در قالب کوتاه و بلند تمرکز دارد.

این جشنواره بستری برای فیلمسازان مستقل از سراسر جهان است تا آثار خود را به نمایش بگذارند و توسط توزیع‌کنندگان، تهیه‌کنندگان و دیگر متخصصان این صنعت که در هالیوود کار می‌کنند، دیده شوند. مدیر این جشنواره وینچنزو کاروبیا، مالک Skiptown Productions است و توسط پرینک فیلمز، کمپانی توزیع بین‌المللی حمایت می‌شود.

جشنواره اسکیپ تاون ۷ الی ۱۲ نوامبر ۲۰۲۳ برابر با ۱۶ تا ۲۱ آبان ۱۴۰۲ در هالیوود جنوبی، کالیفرنیا برگزار خواهد شد.

بخش چهلی فیلمنامه سینمایی «حلما» به عهده کمپانی ماداکتو پیکچرز به مدیریت محمد نوربویان است.

سینمای جهان

تمهید اسپیلبرگ برای بازی ویل اسمیت در فیلمش

ویل اسمیت در حالی که تقریبا بازی در فیلم «مردان سیاه پوش ۳» را رد کرده بود با تمهیدی که استیون اسپیلبرگ به کار بست در این فیلم بازی کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ورایتی، ویل اسمیت فاش کرد تمهیدی که استیون اسپیلبرگ به کار بست و یک هلیکوپتر فرستاد تا او را به جلسه بیاورد، موجب شد بازی در فیلم «مردان سیاه‌پوش ۳» را بپذیرد.

وقتی ویل اسمیت بازی در نقش مأموریی در «مردان سیاه پوش» سال ۱۹۹۷ را رد کرد، استیون اسپیلبرگ که تهیه کننده اجرایی آن بود، تصمیم گرفت که خودش وارد عمل شود.

اسمیت باحضور در برنامه گفتگوی کیتن هارتن ماجرا را تعریف کرد و گفت اسپیلبرگ هلیکوپتری فرستاد تا او را برای جلسه‌ای با حضور اسپیلبرگ ببرد.

همه چیز از آنجا شروع شد که اسمیت پس از بازی در «روز استقلال» در سال ۱۹۹۶ که اولین فیلم پرفروشش شد، نمی‌خواست در فیلم دیگری با محور بیگانگان فضایی بازی کند. این در حالی بود که جیمز لاستر مدیر سابق اسمیت از وی خواست تا نقش مأموری جر را بپذیرد. اسمیت، لاستر را «اژدر دبق» خودش برای بازگری خواند. اسمیت گفت: در دوران اوج با ۱۰ فیلمی که در آن مقطع بازی کرده، این جیمز بود که فیلمها را انتخاب می‌کرد. من نمی‌خواستم «در جستجوی خوشبختی» بازی کنم، نمی‌خواستم در «علی» بازی کنم و جیمز بود که «مردان سیاه پوش ۳» را انتخاب کرد. آن سال یک سال بعد از «روز استقلال» بود و من نمی‌خواستم در ۲ فیلم درباره بیگانگان پشت سر هم بازی کنم. اما رد کردن پروژه‌ای که توسط شرکت تولید آمبلین اسپیلبرگ حمایت می‌شد توجه اسپیلبرگ را جلب کرد.

اسمیت گفت: استیون اسپیلبرگ هلیکوپتری برای من فرستاد تا بتواند با من صحبت کند. من در نیویورک بودم. هلیکوپتر در خانه‌ام فرود آمد و من برای اولین بار لیموزینه گارادر خودم نمی‌شد نه بگویی. اسمیت افزود او خیلی سرد گفت: به من بگو چرا نمی‌خوانی در فیلم من بازی کنی.. و بعد متوقف شد چون اگر می‌خواست ادامه دهد باید می‌گفت: «وگر، نمی‌دانی من «آرباره‌ها» را ساختم؟ نمی‌دانی من «لی‌نی» را ساختم؟

فرافکنده شدن توسط اسپیلبرگ همان چیزی بود که اسمیت برای پذیرفتن بازی در «مردان سیاه پوش» نیاز داشت و فیلم به یکی دیگر از بلاک بلسترهای اولیه برای این بازیگر جوان تبدیل شد این فیلم ۵۸۹ میلیون دلار در باکس آفیس جهانی به دست آورد و اسمیت دومین فرنچایز سینمایی خود را پس از «پسران بد» شکل داد. موفقیت پشت سر هم «بزرگ استقلال» و «مردان سیاه پوش» جایگاه اسمیت را به عنوان یک ستاره سینما در اواخر دهه ۱۹۹۰ مستحکم کرد.